فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۲-۷۳ New Period, No 25, 2020, P 73-102
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تبیین جامعه شناختی موانع و مشکلات حضور زن در جامعه (مورد مطالعه: جامعه ایران)

ابوطالب جعفرآبادی
دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

چکیده

بیکاری زنان و عدم مشارکت آنان عمده‌ترین موانع و مشکلات آنان در اشتغال به عوامل عدم بکارگیری کلیه نیروهای موجود در امر توسعه و بازسازی بر دیگر شئون اجتماعی و فرهنگی می‌گذارد و ثابت شده است که در پس اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و در چند سال اخیر تا حدی روشن شده‌اند که کاهش فعالیت زنان و مشکلات آنان در این مورد در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بوده است. نکته دیگر اینکه میزان بیکاری زنان تحصیل کرده بیشتر از مردان است. بکارگیری بیشتر زنان خصوصاً زنان تحصیل کرده در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به مجموعه نظام اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور و پیدا کردن راه‌حل‌ها برای مبارزه با فقر و رسیدن به رفاه نسبی و توزیع عادلانه درآمد سرانه ضرورت دارد. پس از حضور فعالانه و کوشش زنان جوامع اولیه و ابتدایی در کنار مردان و اثرات ارزنده این حضور این حضور را به طور ساده می‌توان گفت تنها تکیه گاه و قوت قلب مردان سخت کوش آن ایام سخت و طاقت فرسا وجود و حضور همسنگران شجاع و مهربانی چون زنان بود که انسان را و خانواده و جوامع را از گزند آفتها و آسیب‌های وحشتناک ان ایام رهانید و محافظت نمود. مطابق سرشماری عمومی کشور از کل شاغلین زن میزان شاغلین در بخش‌های صنعت بیشتر از بقیه بخش‌ها بوده است. آنچه که حقیقت دارد عمده‌ترین موانع مشکلات اشتغال زنان به جز آداب و رسوم و ویژگی‌های فرهنگی جامعه زنان همین که در شغل خود علاقه‌ای نداشته باشند بدون هیچگونه اعتراضی یا مشکلات سیاسی، اجتماعی از صحنه کار خارج می‌شوند و اکثر اوقات و یا ممنوعیت زنان از جمله موارد دوران بارداری یا وضع حمل بدون جانشین بهانه شیفت برای اخراج از کار. از آنجا که یکی از عوامل مهم و اصلی رشد بازدارنده رشد اقتصادی کشور کمبود نیروی ماهر و متخصص است باید

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

استراتژی دقیقی برای توسعه منابع انسانی تدوین شود با توجه به بیش از نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند باید مسئولان با مدنظر قرار دادن افزایش تولید ناخالص ملی و افزایش بهره‌بری کار امکان شرکت افراد جویای کار به ویژه زنان را در فعالیت‌های اقتصادی بدون هیچ‌گونه ممانعتی در نظر داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: جامعه زنان، موانع حضور، باورهای عامیانه، فمینیسم، جایگاه زنان.

مقدمه

جریان انقلاب اسلامی و حضور قدرتمند زنان مسلمان در بزرگترین رویداد اجتماعی- سیاسی- قرن بیستم موجب رویکردی نوین در عرصه مباحث اجتماعی مربوط به زنان گردید. جهانیان از اینکه می‌دیدند زنان ایران با پشت کردن به الگوهای غربی و فرو گذاشتن فرهنگ برهنگی بیش از پیش در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی حضور پیدا کرده‌اند دچار شگفتی شدند و دیده‌های مشتاق بسیاری از زنان جهان متوجه زنان مسلمان ایران شد.

بعد از جنگ تحمیلی و دوران سازندگی کشور با ورود جریان‌های جدید به عرصه مباحث فرهنگی کشور موضوع دفاع از حقوق زنان بویژه با ویژگی‌های غربی آن به شدت در جامعه ما مطرح شد و نشریات مختلفی نیز با گرایش مباحث زنان به گردونه حرکت فرهنگی دهه دوم انقلاب پیوستند با نزدیک شدن دهه سوم انقلاب بر موج جدیدی که به عنوان دفاع از حقوق زنان در کشور برخاسته بود افزوده شد گروه‌ها و جریانات مختلف با صراحت و جسارت بیشتری به طرح دیدگاه‌های خود در باب مسائل زنان پرداختند اینک در سومین دهه انقلاب اسلامی و گسترش روز افزون مباحث حقوقی فرهنگی و اجتماعی مربوط به زنان در جامعه ما ضرورت باز شناسی جریان‌های مختلفی که به نام دفاع از حقوق از حقوق زنان ایرانی به صحنه آمده و مشغول فعالیتند بیش از پیش احساس می‌شود (شفیعی سروستان، ۱۳۷۹:ص، ۶).

اصولاً تصور خانواده بدون زن امری محال است و به ای ترتیب نیمی از فعالیتهای اجتماعی سهم زنان است. منتهی جامعه بر حسب نوسانات فکری ناشی از تحولات اجتماعی مختلف گاهی ارزش خدمات زنان را کم و زمانی بیشتر نشان داده است ولی اندازه‌گیری هرگز بر مبنا و معیار صحیح و عادلانه نبوده است و شاید مردان که به خاطر نیروی جسمی و طبیعی ذاتی خود همیشه خویشتن را از زنان ارجح می‌پنداشته‌اند در این اندازه‌گیری دستخوش خود فزون‌بینی گشته و در قضاوت از راه عدالت و انصاف دورگشته‌اند. محدود کردن زن در چهار دیوار خانه و تحقیر افکار عقاید و کارهای او نبوغ و نیروهای شگرفی باطنی او را سرکوب کرده به طوری که او را حتی از خود هم ناامید کرده و این مطلب به نحو بسیار بارزی درجه کارآمدی او را پائین آورده است (شادی طلب، ۱۳۸۱، ص:۱۲).

جایگاه زنان در بخش‌های متفاوت فعالیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، لازم و ملزومات جامعه نوین و متمدن خواهد بود و اساس و بنیان جامعه براین محور است که اعضای آن جامعه فعال و کوشا و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تلاشگر همراه با روحیه شادابی و خستگی‌ناپذیر در همه بخش‌ها مشارکت داشته بویژه زنان در تمام بخشها با حفظ معیارهای اصولی و انسانی و ایدئولوژیکی می‌توانند سهم عظیمی در پیشرفت و تعالی کشور و جامعه داشته باشد.

انقلاب اسلامی هویتی تازه به زنان ایران بخشید و آنها را بیش از هر زمان دیگر وارد عرصه حیات اجتماعی و فعالیت سیاسی و مبارزاتی نمود. حضور چشمگیر زنان در راهپیمایی‌های دوران انقلاب و پس از آن، نقش انکارناپذیر آنان در سرنگونی رژیم پهلوی حضور تاریخ ساز آنان در جنگ تحمیلی نقش موثر آنان در پشتیبانی جبهه‌های نبرد... و همه و همه جلوه‌هایی فراموش ناشدنی از تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای نقش اجتماعی زنان است (شفیعی سروستان، ۱۳۷۹، ص:۹۶).

استاد شهید مرتضی مطهری نهضت اسلامی دفاع از حقوق زنان را با نهضتی که در این زمینه در مغرب زمین به وجود آمده مقایسه کرده و تفاوت‌های آن دو را برمی‌شمارند: گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می‌گذرد و دیگران از آنها تقلید می‌کنند دو تفاوت اساسی دارد: اولی در ناحیه روانشناسی زن و مرد. اسلام در این زمینه اعجاز کرده است. تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آنکه زنان را به حقوق انسانیشان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد هرگز آنها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبنی نسبت به جنس مرد وادار نکرد. ایشان در جایی دیگر تفسیر تاریخ روابط زن و مرد براساس تضاد و تعارض دو جنس را به شدت رد کرده و می فرماید: چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و بر پایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات (کلام‌های بیهوده) در این زمینه بافته شده است! (شفیعی سروستان، ۱۳۷۹، ص:۱۳۲)

اهمیت و ضرورت تحقیق:

نیاز جامعه است که به مسائل و مشکلات موجود دید علمی و منطقی نگریسته شود همانطور که حیطه زندگی فردی را انبوهی از ضرورت‌ها و نیازهای احاطه نموده لذا بشکل وسیع‌تر جامعه دچار مشکلات عدیده و بی‌شماری می‌باشد و این بخش از جامعه که زنان می‌باشند با مشکلات وسیع در زمینه اشتغال در جامعه ما روبرو بوده که بعضی از مشکلات در جای خودش قابل حل و حذف می‌باشد و می‌تواند با تحقیق در این زمینه عمده‌ترین مشکلات را شناخت و راه‌حل‌های منطقی و اصولی را در این زمینه بدست آورد باشد که با تلاش این محققین ذره‌ای از مشکلات بیمارگونه در این زمینه را شناسایی و بررسی و ریشه‌یابی و برای درمان آن راهکارها و پیشنهادتی به مسئولین امر ارائه شود.

ستم مضاعف بر زنان در اکثر نقاط جهان به وضوح مشاهده می‌گردد.

انتخاب عنوان فوق به دلیل تعلق ما به این جوامع و آگاهی بیشتر ما از فرهنگ روابط سنت‌ها و مناسبات حاکم بر این جوامع است. بدیهی است آشنایی نسبی با زمینه است آشنایی نسبی با زمینه‌های عینی در ان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

جوامع تلاش ما را در بررسی موضوع مورد نظر ساده‌تر می‌نماید. ما فجایع دردناک این ستم‌ها را از دوران خردسالی تاکنون از نزدیک مشاهده کرده ایم استعدادها و ثروت‌ها بر دو گونه‌اند: استعدادهای انفسی (انسانی) و استعدادهای آفاقی (طبیعی)

غالباً دو تقسیم‌بندی غیرانسانی استعدادهای انسانی این سرزمین را دو پاره می‌کند:

مردم این کشور (ایران) توسط نظام سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دوست و دشمن یا خودی و غیرخودی. غیرخودی‌ها که غالباً اکثریت‌اند به عقب رانده می‌شوند و از فعالیت و رشدشان جلوگیری به عمل می‌آید.

مردم این کشور با بینش اجتماعی تبعیض‌آلود مبتنی بر جنسیت به دو پاره تقسم می‌شوند: مردان و زنان. زنان به دلیل جنسیتشان غالباً خانه‌نشین می‌گردند و با ده‌ها توجیه عقیدتی و شرعی از بروز استعدادهایشان در عرصه‌های مختلف جلوگیری می‌شود. اینان می‌توانند در زدودن دردها و آلام مردم این سرزمین و بخشیدن گرما و پاشیدن بذر عطوفت و فداکاری و گذشت در عرصه تولید شکوفای بهتر تعلیم و پرورش و علم و اندیشه و عدالت و قضاوت و حتی در عرصه تقویت ایمان مذهبی و معرفت و عشق به خدا و خلق خدا و نقش سرنوشت‌سازی داشته باشند اما متأسفانه به نام اسلام و با توجیه مذهبی از فعالیت‌های آنان ممانعت به عمل می‌اورند چرا؟ زیرا اطلاعات و سیاست غالب و فرهنگ غالب متعلق به قرن‌ها پیش است آنان هنوز به این آگاهی نرسیده‌اند که مهمترین ذخایر یک کشور استعدادهای نهفته در قلب‌ها و مغزها و روح‌های مردم آن کشور است (شادی طلب، ۱۳۸۱).

متأسفانه به رغم جایگاهی که اسلام برای انسان قائل است زنان در جوامع اسلامی از دو معضل اساسی رنج می‌برند:

۱- عدم موافقت سنت‌گرایان با فعالیت اجتماعی زنان و در نتیجه عدم باروری استعدادهای فطری آنان.

۲- عدم وجود زمینه‌های مستعد جهت رشد اجتماعی زنان برای افزایش قدرت تشخیص و توانایی انتخاب آنان.

جایگاه زنان در ساختار بخش دولتی: دستاوردها و چالش‌ها

زنان ایران در دولت و دستگاه‌های دولتی که بر اساس تعریف رسمی کشور بخش عمومی نامیده می‌شود از گذشته‌های دور حضور داشته‌اند. ارتقاء زنان به سمت‌های مهم کشوری و پست‌های مدیریت و ارایه الگوهای موفقی از زنان مدیر انگیزه بیشتری برای کار و ابراز شایستگی زنان فراهم آورده و در نگرش جامعه نسبت به توانایی زنان می‌تواند موثر واقع شود. آن چه که از دستاوردهای دهه اخیر قابل تحسین است افزایش تعداد اعضای هیأت علمی زن و تعداد پژوهشگران زن و همچنین انتصاب مشاور سیاسی رئیس جمهوری به ریاست دانشگاه الزهرا (یک دانشگاه زنانه) می‌باشد. ملاک‌های روشن و قطعی برای حصول

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اطمینان از این که هیأت‌های گزینش که اکثریت اعضاء آن را مردان تشکیل می‌دهند نسبت به ارتقاء شغلی زنان حساسیت‌های منفی نخواهند داشت و هنوز به دست نیامده است.

اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و واگذاری برخی از فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی می‌تواند بر اشتغال و ورود زنان به فرآیند تصمیم‌گیری تاثیرگذار باشد. دولت اذعان دارد که در برنامه اول و دوم توسعه به زنان بی‌توجهی و کم‌توجهی شده و تلاش نموده تا در برنامه‌های بعدی بعضی از کاستی‌های گذشته را جبران کند. زنان در بخش دولتی به دلیل غلبه فرهنگ سنتی از تنوع شغلی چندانی برخوردار نباشند. نبود نشریات سالانه و اطلاعات به هنگام در مورد زنانی که در استخدام دولت و دستگاه‌های دولتی هستند.

در مرکز امور مشارکت زنان برخی از پست‌های کلیدی مانند معاونت برنامه‌ریزی که نقش اساسی در منظور کردن دیدگاه‌های جنسیتی در برنامه توسعه و اقدامات دولت دارد به مردان واگذار شده است. اگر فقط به سهم ۱۸ درصدی زنان در هیأت علمی تمام وقت دانشگاه‌های دولتی توجه شود انتظار می‌رود که تعداد زنانی که به پست‌های مدیریتی دست یافته‌اند حداقل به تعداد انگشتان دست برسد (شادی طلب: ص، ۱۲۷).

شرایط اقتصادی- اجتماعی در عصر حاضر باعث شده است تا زنان در فعالیت‌های اقتصادی اشتغال و ایفای نقش‌های در جامعه خود را به نحوی عرضه کنند یعنی از نقش دوگانه خود منظور مولد اقتصادی بودن و نقش داشتن خود در زادوولد، استفاده نمایند. این در حالی است که در جوامع سنتی تولید اقتصاد مربوط به مردان و تولید مثل مربوط به زنان است در جوامع توسعه‌یافته و صنعتی این دو نقش عموماً در کنار یکدیگر ایفا می‌گردد و یکی از رموز موفقیت اجتماعی و اقتصادی آنها نیز همین جریان می‌باشد. یعنی جریانی که در آن زنان می‌توانند هم در توسعه اجتماعی نقش داشته باشند و هم در بهبود موقعیت خود. در جوامع کمتر توسعه‌یافته در موارد زیادی به خاطر عدم هماهنگی یا هماهنگی غیرکافی بین دو جریان فوق یعنی مولد اقتصادی بودن و مولد بچه بودن بسیاری از زنان مورد اول را نمی‌پذیرند یا در مواردی که آن را دارا می‌باشند ترک شغل می کنند که خود جای بحث دارد.

انگیزه تحقیق:

برای هر فردی که در مجموعه‌ای و گروهی وجامعه‌ای که خود عضوی از آن مجموعه می‌باشد گرایش درونی و برون او جهت یافته به سمت و سوئی است که در کنار دیگر اعضا بتواند به نوعی انجام وظیفه و یا مشارکت در حرکتها و فعالیت نماید که در رسیدن به هدف آن مجموعه ابراز وجود و ادای دین و انجام وظیفه و داشتن سهم و نقش را برآورده سازد. لذا انگیزه گروهی ما به عنوان عالمان اجتماعی در خود چنین احساس را مشتعل دیدیم که باید در جمع بودن را و مشارکت داشتن را و سهیم بودن در رسیدن بر اهداف

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

را از گفته‌ها به عمل برسانیم و با توجه به واقعیت غیرقابل انکار در بخش موضوع تحقیق لذا روند شوق و اشتیاق خویش را در مسیری قرار دادیم که بتوانیم گرهی از انبوه مشکلات این بخش عظیم و قابل توجه را حل و آسان سازیم شاید بتوانیم در برابر وجدان و آیندگان از شرم و خجلت خویش بکاهیم و لااقل ذره‌ای از مسئولیت و توانمندی خویش را در حل مشکل این بخش به عرصه عمل و راحت وجدان بدست آریم. هرگز در تاریخ به اندازه‌ی امروز توافق در مورد این که مهمترین پیش‌نیاز توسعه مشارکت همه‌ی انسان‌هاست وجود نداشته است. دو آفت اساسی جوامع اسلامی تجدد مابی و تحجرگرایی است. تجدد ماب چنان شیفته جدید اجتماعی و فرهنگی و مبهوت پیشرفت‌های فنی و اقتصادی دنیای غرب است که گمان می‌کند جوامع اسلامی برای بقا در عصر جدید چاره‌ای جز دست دست شستن از ارزش‌های دینی و تجدید نظر اساسی در اصول خود ندارد. در مقابل تحجراگرا چشم خود را یکسره بر همه تحولات و تغییرات اجتماعی بسته و میپندارد که دین مجموعه‌ای خشک و انعطاف ناپذیر است که هیچ مسئولیتی برای پاسخگویی به نیازهای جدید روز ندارد. این دو آفت همه مناسبات فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده و باعث به وجود آمدن دیدگاه‌های متناقض و همراه با افراط و تفریط در مورد شوون مختلف زندگی در این جوامع شده است.

روش تحقیق:

بررسی این موضوع با توجه به ممانعت‌های اجتماعی فراوانی برای دست یافتن به واقعیت‌های موجود در این زمینه لذا در حد توصیفی و کتابخانه‌ای بوده و این بررسی همراه با تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها و نظریات صاحب‌نظران با استفاده به منابع آنها و تلاش بر این بوده که با شناخت علمی واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و جایگاه زن و اشتغال وی همراه با شناخت موانع موجود نسبت به اشتغال آنان و بررسی و ریشه‌یابی این موانع است.

اهداف تحقیق:

در کارها علمی اهدافی نهفته است که همان دستیابی به اطلاعات و یا به عبارتی شناخت مسئله و تجزیه‌وتحلیل و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات در رابطه با آن موضوع و مسئله است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دیدگاه‌ها و نظرات:

لذا اهداف مهمی در این بخش از تحقیق علمی می‌توان عنوان نمود که در تشکیل اهداف کلی:

شناخت علمی مشکلات عدیده‌ای که گریبان‌گیر جامعه زنان ما نسبت به اشتغال در جامعه است و وجود این مشکلات نسبت به نقش اساسی این طیف عظیم پویا و فعال و بالقوه را ریشه‌یابی و در اهداف کلان کشور توجه به سهیم بودن و داشتن این نیروی محرک و پتانسیل قوی را نمی‌توانیم انکار کنیم باید مدنظر داشته باشیم که تنها برای رسیدن به اهداف تمدن و پیشرفت در تمام زمینه‌ها نیاز است که مطالعات و تحقیقات علمی در یک دوم نیروی فعال کشور صورت پذیرد تا جامعه را از خطر معضل بیکاری و فساد و سرگردانی برهاند.

در بخش کوچکترین با دید اهداف جزئی:

نیاز جوامع محدود و کوچک و خانواده‌ها بر کسب شناخت و آگاهی بیشتر همراه با دید ووسعت نگرش وسیعتر و افزونیت به بینش محدود و کوچک جهش در افکار و دیدها و بینش‌های گذشته و سنتی حاصل گردد. تا با توجه به فراگیری مشکل همراه با مدنظر داشتن مسائل حاشیه‌ای از جمله (فساد- اعتیاد- بیکاری- بی‌بندوباری) چاره‌ای در حل مشکل بزرگ اجتماعی باید بدست آورد و در کنار آن دستیابی به فرد سالم و خانواده سالم و جامعه سالم تنها راه‌حلش دستیابی به شناخت علمی و منطقی و یافتن راه‌حل‌های اصولی و انسانی است که در جامعه فعلی ما توجه به این امر یک ضرورت مهم و قابل ارزش است. غربیان به مدد فنآوری برتر و قدرت اقتصادی بی‌رقیب خود سال‌هاست که در پی گسترش فرهنگ خود را سراسر جهان و همسان‌سازی فرهنگ جهانی هستند و تلاش بسیار دارند که به هر صورت ممکن الگوها و هنجارهای خود را بر ملل مشرق زمین تحمیل کنند. غرب تلاش فراوانی می‌کند که کمک رسانه‌های تبلیغاتی و با بهره‌گیری از بنیادها و موسسات به ظاهر غیر سیاسی دامنه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود را در کشورهای غیرغربی جهان سوم گسترش دهد و به تدریج فرهنگ آنها را استحاله و زیمن را برای سلطه سیاسی فراهم سازد.

پذیرش الگوهای فرهنگی غرب از سوی کشورهای جهان سوم از دو جهت می‌تواند به منافع اقتصادی کشورهای غربی یاری رساند:

۱- ایجاد حس اعتماد در بین مردم این کشورها نسبت به غرب و در نهایت تضمین منافع اقتصادی دراز مدت برای کشورهای غربی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۲- رونق بازار مصرف کالاهای غربی زیرا زمانی که کشورهای جهان سوم الگوهای غربی را در زمینه پوش و تغذیه و مسکن و... پیذیرند زمینه فعالیت شرکتهای بزرگ تولیدی غربی را در این کشورها فراهم می‌شود.

با یک بررسی اجمالی میتوان جریان‌های داخلی و خارجی فعال در عرصه دفاع از حقوق زن ایرانی را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- جریان سیاسی دفاع از حقوق زنان

۲- جریان غیر دینی (سکولار) دفاع از حقوق زنان

۳- جریان دینی دفاع از حقوق زنان

این جریان که فعالیت خود را در چند کشور اروپای و آمریکایی متمرکز ساخته و کمو بیش ارتباط‌هایی با برخی از جریان‌های داخل کشور نیز دارد معتقد است که امر رهایی زن امری سیاسی است زیرا زنان برای رسیدن به حقوق خود راهی جز مبارزه با دولت‌ها ندارند از حدود سال ۶۸ به بعد به موازات رشد جریان‌هایی که در خارج از کشور موضوع حقوق زنان ایرانی را دستمایه فعالیت خویش قرار داده بودند در داخل کشور نیز جریان‌های مختلفی با هدف دفاع از حقوق زنان وارد میدان شدند و فعالیت خود را آغاز کردند. بخش عمده‌ای از کسانی که در آن مقطع فعالیت وسیع خود را در حوزه مسائل زنان آغاز کردند در عمل اعتقاد و التزام چندانی به احکام شرع نداشتند و دفاع از حقوق زنان را از منظر آموزه‌های دینی دنبال نمی‌کردند اگر چه به اقتضای شرایط حاکم بر کشور به خود اجازه می دادند به صراحت با احکام اسلام به مخالفت برخیزند. انقلاب اسلامی هویتی تازه به زنان ایران بخشید و آنها را بیش از هر زمان دیگر وارد عرصه حیات اجتماعی و فعالیت سیاسی و مبارزاتی نمود. حضور چشمگیر زنان در راهپیمایی‌های دوران انقلاب و پس از آن نقش انکارناپذیر آنان در سرنگونی رژیم پهلوی حضور تاریخ‌ساز آنان در جنگ تحمیلی نقش موثر آنان در پشتیبانی جبهه‌های نبرد و... همه و همه جلوه‌هایی فراموش ناشدنی از تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای نقش اجتماعی زنان است. استاد شیهد مرتضی مطهری نهضت اسلامی دفاع از حقوق زنان را با نهضتی که در این زمینه در مغرب زمین به وجود آمده مقایسه کرده و تفاوت‌های آن دو را چنین بر می‌شمارند: گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می‌گذرد و دیگران از آنها تقلید می‌کنند دو تفاوت اساسی دارد اولی در ناحیه روانشناسی زن و مرد. اسلام در این زمینه اعجاز کرده است: تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آنکه زنان را به حقوق انسانی شان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد هرگز انها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد. ایشان در جایی دیگر تفسیر تاریخ روابط زن و مرد بر اساس تضاد و تعارض دو جنس را به شدت رد کرده و می‌فرماید: چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر جنس استخدام و استثمار و بر پایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات (کلام‌های بیهوده) در این زمینه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بافته شده است! دو آفت اساسی جوامع اسلامی تجددمآبی و تحجرگرایی است. تجدد ماب چنان شیفته شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی و مبهوت پیشرفت‌های فنی و اقتصادی دنیای غرب است که گمان میکند جوامع اسلامی برای بقا در عصر جدید چاره‌ای جز دست شستن از ارزش‌های دینی و تجدید نظر اساسی در اصول خود ندارد. در مقابل تحجر گرا چشم خود را یکسره بر همه تحولات و تغییرات اجتماعی بسته و میپندارد که دین مجموعه ای خشک و انعطاف‌ناپذیر است که هیچ مسئولیتی برای پاسخگویی به نیازهای جدید روز ندارد. این دو آفت همه مناسبات فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده و باعث به وجود آمدن دیدگاه‌های متناقض و همراه با افراط و تفریط در مورد شوون مختلف زندگی اجتماعی در این جوامع شده است. هرگز در تاریخ به اندازه‌ی امروز توافق در مورد این که مهمترین پیش نیاز توسعه مشارکت همه‌ی انسان‌هاست وجود نداشته است. استراتژی جایگزینی واردات با هدف ساختن همان کالا در داخل کشور و کاهش وابستگی به واردات کالاهای ساخته شده نیز تغییری در نگرش این دیدگاه نسبت به زنان نداد. در نیمه اول دهه ی ۱۹۶۵ آشکار شد که توسعه اندازه‌گیری شده بر مبنای افزایش محصول ناخالص ملی به کاهش نابرابری‌ها نیاجامیده و تأثیر مثبتی بر زندگی توده‌ی مردم از جمله زنان نداشته است. الگوهای مرفی گذشته شدیداً رد شده و جنبه‌های خوب ساده زیستن و کمک به دیگران ترغیب می‌شد. گرچه مبارزه با مصرف‌گرایی و الگوی مصرف در این دیدگاه کار را به بیراهه کشاند، به طوری که گاهی استفاده ی صحیح از نعمت‌های الهی نیز کنار گذاشته شد. ولی به هر حال در این میان زنان می بایست از مصرف‌کنندگان و ابزار مصرف تغییر نقش داده و به مدیران خانه‌ای که تصویرشان را برای فرزندان ما در کتاب‌های درسی کشیده‌اند تبدیل شوند. در کنفرانس جهانی سال ۱۹۸۵ در سند نایروبی به کشور های عضو ملل متحد توصیه شد: سیاست‌ها باید به وسیله‌ای برای بسیج آگاهی و .... شوند تا زنان بتواند شغلهایی را که با مهارت‌ها و مسئولیت‌های بیش‌تر سروکار دارند از جمله مشاغلی را که در سطح مدیریت در تمام بخش‌های اقتصادی به دست آورند.

زنان ایران در دولت و دستگاه‌های دولتی که بر اساس تعریف رسمی کشور بخش عمومی نامیده میشود از گذشته‌های دور حضور داشته‌اند. ارتقاء زنان به سمت‌های مهم کشوری و پست های مدیریت و ارایه الگوهای موفقی از زنان مدیر انگیزه بیشتری برای کار و ابزار شایستگی زنان فراهم آورده و در نگرش جامعه نسبت به توانیی زنان میتواند موثر واقع شود. آن چه که از دستاوردهای دهه اخیر قابل تحسین است افزایش تعداد اعضاء هیات علمی زن و تعداد پژوهشگران زن و همچنین انتصاب مشاور سیاسی رئیس جمهوری به ریاست دانشگاه الزهرا (یک دانشگاه زنانه) می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اما در عین حال چالش‌هایی را نیز زنان در دستگاه‌های دولتی پیش رو دارند:

ملاک‌هایی روشن و قطعی برای حصول اطمینان از این که هیأت‌های گزینش که اکثریت اعضاء آن را مردان تشکیل می‌دهند نسبت به ارتقاء شغلی زنان حساسیت‌های منفی نخواهند داشت و هنوز به دست نیامده است. اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و واگذاری برخی از فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی می‌تواند بر اشتغال و ورود زنان به فرآیند تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشد. دولت اذعان دارد که در برنامه اول و دوم توسعه به زنان بی‌توجهی و کم توجهی شده و تلاش نموده تا در برنامه های بعدی بعضی از کاستی‌های گذشته را جبران کند. زنان در بخش دولتی به دلیل غلبه فرهنگ سنتی از تنوع شغلی چندانی برخوردار نباشند.

نبود نشریات سالانه و اطلاعات به هنگام در مورد زنانی که در استخدام دولت و دستگاه‌های دولتی هستند. در مرکز امور مشارکت زنان برخی از پست‌های کلیدی مانند معاونت برنامه ریزی که قش اساسی در منظور کردن دیدگاههای جنسیتی در برنامه توسعه توسعه و اقدامات دولت دارد به مردان واگذار شده است. اگر فقط به سهم ۱۸ درصدی زنان در هیأت علمی تمام وقت دانشگاه‌های دولتی توجه شود انتظار میرود که تعداد زنانی که به پست‌های مدیریتی دست یافته‌اند حداقل به تعداد انگشتان دست برسد. زنان در بازرار کار نابرابری در موارد زیر روبرو هستند:

ـ معیارهای استخدامی نابرابر

ـ فرصت‌های نابرابر برای آموزش حرفه‌ای و بازآموزی

ـ دستمزد نابرابر برای کار یکسان

ـ دسترسی نابرابر به منابع تولیدی

ـ تمرکز در تعداد محدودی از شغل‌ها

ـ مشارکت نابرابر در تصمیم‌گیری‌ها

ـ شانس بیشتر برای بیکاری

ـ امکان نابرابر در ارتقای شغلی

چرا زنان به پایگاه‌های مدیریتی دست نمی‌یابند؟

پیام‌های ناهمخوان:

۱- جامعه به زنان تحصیل کرده و عاقل و بالغ و اندیشمند نیاز دارد تا بار مسئولیتی را به دوش گیرند.

۲- نقشهای جنسیتی دختران با صفت‌های مهربان و مطیع، وفادار، صدیق، عاطفی و خوش اخلاق تعریف می‌شود. طبق کلیشه‌های موجود، یک مدیر، ستیزه جوی است که باید بزرگ و قابل رویت و قوی و از نظر احساسی مستقل باشد و این کیفیتی است که پسران می‌اموزند و انتظار می‌رود زنان در کار مانند پدرش و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در منزل مانند مادرش باشد این ناهمخوای زنان رادچار احساس گناه می کند در نتیجه زنان برای اشتغال در پستهای مدیریتی از خود نشان نمی‌دهند. مسئولان فکر می‌کنند برای ارتقاء جایگاه زن کلمات زیبا کافی است اما متوجه نیستند که مردان برای عملی ساختن این کلمات باید مسئولیت زیادی بر عهده گیرند. پذیرش مدیریت زنان به معنای جرات داشتن در مواجهه با نظرهای نو و نوع خاصی سئوالات است که تنها مربوط به زنان می‌شود. زنان به دشواری می‌توانند مانند همکاران مرد خود از هر مدیری پیروی کنند. بسیاری از زنانی که بهتر می‌دانند و از هوش و تونایی‌های بیشتری برخوردارند وقتی از قابلیت‌های آنها درست استفاده نمی‌شود به افرادی ناراضی در محیط کار تبدیل می شوند. مدیران مرد زیادی می گویند: ما واقعاً دلمان می‌خواهد که زنان بیشتری وارد جامعه شوند اما خود زن‌ها تمایلی به ملحق شدن به جمع مردان ندارند از زنان خواسته می‌شود وارد بازی شوند به شرط آنکه مثل مردان باشند و هیچ زنی این را نمی‌خواهد. زنان مدیر اعتماد به نفس بیشتری دارند و مایلند که با تمام وجود خود کار کنند اما همه چیز را فدای شغل خود نمی کنند در واقع مدیران مرد همچنین نمی کنند اما زنان در این مورد صادق‌ترند و آنرا بیان می کنند. مدیران مرد باید درک کنند که مدیران زن رفتاری کاملاً متفاوت با آنها دارند. مدیران مرد می‌توانند با جریانت پیش روند اگر هم متوجه اشکالاتی بشوند باز به کار ادامه می‌دهند اما زنها این بازی را مشکل‌تر از آن می‌دانند که به جمع بازیگران بپیوندند در نتیجه کاری متفاوت از مردان مدیر انتخاب می کنند و این خود آنها را ناسازگار معرفی می کند. غالباً شنیده زنانی که به جایگاه مدیریت میرسند بیشتر از مردان مدیر مستبد و سلطه‌جو هستند و یا زنان مدیر خوبی هستند اما خیلی سخت گیرند. این توضیح را میتوان داد که زنان مدیر به راحتی ضعف‌ها و کمبودها را ملاحظه می کنند و از این که دیگران جرات انجام کارها را به خوبی ندارند خشمگین می‌شوند در حالی که مردان مدیر دیر متوجه ضعف‌ها می‌شوند و از آن آساتر چشم‌پوشی می کنند. گرچه تاکید بسیار بر نقش اقتصادی زنان روستایی و سهم آنان در تأمین نیروی کار بخش کشاورزی ضرورت دارد ولی زنان کشاورز را نباید فقط به عنوان عامل کار غالباً ارزان و کم‌توقع مورد توجه قرار داد. بلکه به عنوان نیمی از اعضای جامعه برای برخورداری از حقوق انسانی میبایست ر برنامههای توسعه مشارکت داشته باشند و از نتایج آن بهره‌مند شوند. ستم مضاعف بر زنان در اکثر نقاط جهان به وضوح مشاهده می گردد انتخاب عواتن فوق به دلیل تعلق ما به این جوامع و آگاهی بیشتر ما از فرهنگ روابط سنت‌ها و مناسبات حاکم بر این جوامع است بدیهی است آشنایی نسبی با زمینه‌های عینی در این جوامع تلاش ما در برسی موضوع مورد نظر ساده‌تر می‌نماید. ما فجایع دردناک این ستم‌ها را از دوان خردسالی تاکنون از نزدیک مشاهده کرده‌ایم.

استعدادها و ثروت‌ها بر دوگونه‌اند: استعدادهای انفسی (انسانی) و استعدادهای آفاقی (طبیعی)

غالباً دو تقسیم‌بندی غیرانسانی استعدادهای انسانی این سرزمین را دو پاره می کند:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مردم این کشور (ایران) توسط نظام سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دوست و دشمن یا خودی و غیرخودی. غیرخودی‌ها که غالباً اکثریت اند به عقب رانده می‌شوند و از فعالیت و رشدشان جلوگیری به عمل می‌آید. مردم این کشور با بینش اجتماعی تبعیض‌آلود مبتنی بر جنسیت به دو پاره تقسیم می‌شوند: ردان و زنان. به دلیل جنسیتشان غالباً خانه‌نشین می‌گردند و با دهها توجیه عقیدتی و شرعی از بروز استعدادهایشان در عرصه‌های مختلف جلوگیری می‌شود. اینان می‌توانند در زدودن دردها و آلام مردم ای سرزمین و بخشیدن گرما و پاشیدن بذر عطوفت و فداکاری و گذشت در عرصه تولید شکوفایی هنر تعلیم و پرورش و علم و اندیشه و عدالت و قضاوت و حتی در عرصه تقویت ایمان مذهبی و معرفت و عشق به خدا و خلق خدا و نقش سرنوشت‌سازی داشته باشند اما متأسفانه به نام اسلام و با توجیه مذهبی از فعالیت‌های آنان ممانعت به عمل می‌آورند. چرا؟ زیرا اطلاعات و سیاست غالب و فرهنگ غالب متعلق به قرنها بیش است. آنان هنوز به این آگاهی نرسیده‌اند که همترین ذخایر یک کشور استعدادهای نهفته در قلب‌ها و مغزهای مردم آن کشور است. متأسفانه به رغم جایگاهی که اسلام برای انسان قائل است زنان در جوامع اسلامی از دو معضل اساسی رنج می‌برند. عدم موافقت سنت‌گرایان با فعالیت اجتماعی زنان و در نتیجه عدم باروری استعدادهای فطری آنان. عدم وجود زمینه‌های مستعد جهت رشد اجتماعی زنان برای افزایش قدرت تشخیص و توانایی انتخاب آنان. بنابراین با این سئوال همواره مواجه هستیم که چرا چنین تناقضی بین حقوقی که اسلام برای انسان و بالطبع برای زنان به رسمیت میشناسد با واقعیت وضعیت زنان در جوامع مسلمان وجود دارد. تاریخ حاکمانی که به نام اسلام حکمت کردند تاریخ ستم مضاعف بر زنان است.

زن از تجربه اجتماعی کمتری برخوردار است زیرا نه مجالش را یافته و نه امکانش را، از نظر شخصیتی احساس حقارت و خود کم‌بینی می‌کند، زیرا از کوچکی تحقیر شده است و امکان برخورداری اقتصادی ندارد زیا نه قدرتش را داشته و نه فن اش را. او از قافله مدنیت عقب افتاده است و آنان که قضاوت‌ها و حکمها و تجزیه و تحلیهایشان مبتنی بر این است که مردان همیشه عملی‌تر فکر می‌کنند و مردان بهتر قضاوت میکنند و مردان عقلانی تر می‌اندیشند و واقعیت عقب افتادن یا بهتر است بگویی عقب نگه داشته شدن وی را به حساب حقیقت وجودی وی و جایگاه و وضع وی در آفرینش بگویی عقب نگه داشته شدن وی را به حساب حقیقت وجودی وی و جایگاه و موضع وی در آفرینش می‌گذارند. اما منطق اینان بسیار سست است زیرا آقایانی که بیت الی سی سال در حوزه‌ها طلبگی کرده‌اند روزی چکش به دست گیرند و در مقام مقایسه با کارگری در بیایند که ۲۰ سال است چکش میزند و سنگ می‌کند صد درصد بازنده اند. آیا این بازندگی ضعفی ایشان در خلقت است یا کم تجربگی و عدم کارآزمودگی و ورزیدگی؟ بنابراین به صحنه آوردن زنان در اجتماع زمان پیامبر (ص) و احیای حقوق انان میبایست متناسب با آمادگی و باروری اجتماعی و رشد فکری و عملی آنان باشد این امر میبایست قدم به قدم و متناسب با قانونمندی خود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

صورت پذیرد و در جهت کسب جایگاه حقیقی آنان در چارچوب جهان‌بینی توحیدی یعنی نگرشی مساوات‌طلبانه و مبتنی بر عدم تبعیض بین انسان‌ها باشد. این امری است اصولی در جهت نیل به سمت هدف‌های بلندمدت و مهم انسانی. اما در عمل چه شد؟ فرهنگ جاهلی بعد از رحلت رسول اکرم (ص) در غالب‌های جدید از نو فعال شد. جلوگیری از فعالیت فکری و عملی زنان از عوامل مهم عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی است. برخورد غیرمسئولانه با استعدادها و توانمندی‌های زنان در چارچوب برخورد غیر مسئولانه با کلیه منابع طبیعی و انسانی کشورهای اسلامی صورت گیرد.

ـ غلبه بینش مرد سالارانه بر تفاسیر احادیث مدارس و حوزه‌های مذهبی

ـ غلبه بینش مرد سالارانه بر روابط اجتماعی زبان و ادبیات

ـ غلبه بینش مرد سالارانه براحکام قضایی و حقوقی

ـ غلبه بینش مرد سالارانه برعرصه حکومت و سیاست

ـ غلبه بینش مرد سالارانه در عقب نگه داشتن زنان و تضعیف استعدادهای خدایی آنان

ضعف فکری و عملی زنان از عدم مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی ناشی می‌شود و نه از ماهیت آنان زن و مرد از یک سرنوشت و خمیره آفریده شده و هم سرنوشت‌اند و استعدادهای آنان دوگانه و متفاوت از هم نیستند.

از دیدگاه قرآن قضاوت و ارزشگذاری در مورد انسان با آنچه خود کسب کرده‌است صورت می گیرد و در این میان جنسیت نقشی ندارد. حقوق انسان از دیدگاه قرآن واحد است و تفاوتی میان زن و مرد سیاه و سفید و.... نیست. زن جنس سر به راه و مهربان و انعطاف پذیر و فروتن و نجیبی است. چنین تصویری در ذهن همه بانوان وجود دارد سر به راه بودند باید راهی به سوی کامیابی باشد اما در واقع چنین نیست. امروزه زنان نمیخواهند فقط سر به راه باشند. آگاهی از خویشتنن افزایش یافته است و این حال تناقض‌های فراوانی در ذهن زن امروزی نهفته است با این حال تناقض‌های فراوانی در ذهن زن امروزی نهفته است می‌کوشد تا خود را ابراز کند و جدانش ناراحت استن در بیرون خاموش اما در درون آکنده از کشمکش است.

خانها مراقبند تا زیاد اعتراض نکنند و مقاومت نشان ندهند. آنها از پرخاشگری و داشتن روحیه‌ی تهاجمی می‌پرهیزند زیرا خیال می‌کنند محبوبیتشان به خطر می‌افتد اما پرخاش انبار شده در آنها عاقبت یا به خودشان برمی‌گردد یا به طور ناخواسته در محیط اطرافشان بروز می‌کند. زنان بیشتر از مردان دچار سردرد و افسردگی می‌شوند و بیشتر احساس خستگی و یکنواختی میکند در پس این گونه حالت‌ها اغلب کوهی از پرخاشگری نهفته است. بیشتر خانم‌ها قوی‌تر از آنی هستند که می پندارند آنها خیال می‌کند وجوداتی ضعیف و وابسته هستند که به حمایت مردان نیاز دارند. زنان از قدرت کناره‌گیری می‌کنند و بدین ترتیب سلسله مراتب اقتدار تثبیت میشود. ساختارهای قدرت پابرجا می‌مانند و خانم‌ها نیز ناخواسته سهم چشمگیری در تثبیت آنها دارند بیشتر خانمها خواستار قدرت نیستند و نمی‌خواهند عقایدشان را به دیگران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تحمیل کنند و اگر چه انجام دادن هیمن کار را به شیوه‌های ظریف و پنهانی حتی در ذهن نیز انکار می کنند چون در قدرت را به روی خود می‌بندند از درهای دیگری وارد می‌شوند آنها از قدرت خود واهمه دارند. از این می‌ترسند که داشتن قدرت باعث از دست دادن محبوبیت شود. موفقیت و قدرت با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند در محدوده‌ی شغلی راه رسیدن به موفقیت و قدرت همان چیزی است که آن را حرفه می‌نامیم. خانم‌ها می‌ترسند که در این راه تنها شوند. از نظر بیشتر خانم‌ها این راهی است متعلق به مردان. مردان جنگجویان نستوهی هستند که در عین حال هم شایسه‌ی تحسین‌اند و هم شایسته‌ی دلسوزی مطابق این منطق زنانه، مردها در راه قدرت دجار تنهایی میشوند و زانیاز خود را به قدرت نادیده بگیرند. امکان امن خود را حفظ کنند و از مسیرهای پرفراز و نشیب مردانه بپرهزند. در عوض دوستی و همکاری و ارتباط نزدیک اجتماعی نصیب‌شان خواهد شد. خانمها معمولاً متوجه نمی شوند که قدرت و موفقیت از یک سو و تنهایی و بی‌کسی از سوی دیگر لزوماً به هم مرتبط نیستند. خانمها تصور می کنند که حفظ قدرت مستلزم زحمت و مشقت فراوان است. واقعیت درست عکس این را ثابت مکند به کار گیری قدرت باعث افزایش مدام آن می شود. تواضع صفت پسندیده ای قلمداد میشود اما تکبر مردانه اغلب مورد تأیید و حتی تحسین قرار می گیرد، در حالیکه برخورداری از تواضع برای زنان لازم تلقی می‌شود. زنان باید همواره از خود گذشتگی نشان دهند و مواظب باشند تا حق کسی را پایمال نکنند ازخودگذشتگی اصلی‌ترین خصلت زنانه به شمار میاید. بسیاری از خانم‌ها تردید خود را در خصوص شایستگی‌ها و توانائی‌های حرفه‌ای شان در پس نقابی از فروتنی پنهان می کنند. در بسیاری موارد خشونت علیه زنان را به کمک آداب و رسوم و سنت‌های غیرمذهبی توجیه می کنند. بطور کلی گروه‌های اجتماعی اعم از شهری و روستایی و نمونه‌هایی از رسوم متداول در بافت قبیله‌ای بخشی از مناطق جنوب ایران چنین است: چنانچه زنی عمل خلاف عفت مرتکب شود و با مردی رابطه آزاد جنسی برقرار کند به دست افراد ذکور خانواده خود به قتل می‌رسد. علاوه بر آداب و رسومی که مهر تأیید بر رفتار خشونت‌آمیز علیه دختران و زنان می‌زند اصلاحات و ضرب‌المثل‌هایی که در فرهنگ شفاهی ما رایج است و حامل پیام خشونت نسبت به زنان از همان ابتدای زندگیست و اینکه مردان را با بکار بردن ذلیل سرزنش و تحقیر می کنند تا به خود آیند و از رفتار آمرانه سایر مردان با همسر خود پیروی کنند. از نگاه سنت گرایان در روابط دو جنس نابرابری مطلق حاکم است. این طرز تفکر که طی قرون و اعصار متمادی بر ساختار ذهنی مردم تأثیر عمیقی بر جای گذاشته یکی از عوامل سرکوب زنان در خانواده و در عرصه های اجتماعی و سیاسی شده است.

ـ زنان ناقص العقل هستند.

ـ زنان حق حضور در اجتماع را ندارند در اندرون خانه نیز نمیتوانند بیش از پنج کلمه با مردان سخن بگویند.

ـ روا نیست زن با مرد بیگانه سخن بگوید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ مردان بر زنان سرپرستی دارند و به امور آنان می‌پردازند چنان که والیان به امور رعیت می پردازند. بدان جهت که خداوند بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است.

ـ خدا زن را آفرید برای تدبیر منزل و گستره کار منزل محدود است. در این محدوده مردان بر زنان خود سرپرستی دارند. از اینروی عقلشان به همین مقدار محدود می‌شود.

ـ زن در برابر مرد وظیفه خاصی دارد و آن عبارت است از شوهر داری و تربیت کودکان و خانه داری.

به این تربیت اندیشه سنتی به اندازه‌ای نسبت به جنس زن تحقیرآمیز است که همواره برای حفظ زن در محدوده‌ای که دیدگاه سنتی بر پایه نابرابری مطلق زن و مرد تعیین کرده است خشونت تجویز می‌شود. زیرا در یک کلام نگاهداشتن زن در خانه و ممانعت از حضور او در جامعه بدون ایجاد جو ترس و ارعاب ممکن نیست.

تنها عرصه‌ای که در آن زنان توانسته اند در سالهای اخیر نفوذ کنند و تا حدودی خط انحصار مردانه را بشکنند عرصه مطبوعاتاست. زنان برای ورود به فعالیت‌های مطبوعاتی از خود شوق و شور نشان داده و به تدریج درصدد برآمده اند مطبوعات را مانند یک نهاد موثر اجتماعی برای ابراز وجود مورد استفاده قرار دهند. در شرایط کنونی که اغلب سازمان‌های اجتماعی بر اساس دیدگاه جداسازی برنامه‌ریزی می‌شوند امکان تلطیف جامعه و هدایت آن به سوی دو جنسی شدن بسیار اندک است ب این حال زنان ایران امید خود را از دست نداده‌اند و به خصوص برای ورود فزاینده به عرصه ورزش و هنر نیز تلاش می‌ورزند. در مدرسه که مهمترین موسسه اجتماعی است کتابهای درسی کلیشه‌ای ارائه می‌دهد که بر محدودیت فضای زندگی زنان تأکید دارد کتابهای درسی در مقطع دبستان ذهنیت دانش‌آموزان را از شش سالگی با کلیشه‌های جنسیتی که جدا سازی دو جنس در نهادها و موسسات اجتماعی نتیجه حتمی آن است تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلیشه‌ها افراد جنس زن را محکوم به انجام امور خانگی یا شبه خانگی و محدود شدن در نقش‌های خاص می‌کند و به افراد جنس مرد اجازه می‌دهد فضای اجتماعی خود را تا بی‌نهایت گسترش دهند. دختران ایرانی برای گذراندناوقات فراغت نه تنها با نابرابری فرصت‌های اجتماعی بلکه با موانع جدی ناشی از طرز فکر خانواده مواجه هستند. بعضی خانوادهها به دلیل مشکلاتی مثل دوری راه امکان استفاده از امکانات محدود برای زنان را ندارند. زنان برای ورود به عرصه ورزش نیز از هر حیث با موانع ارزشی و عقیدتی مواجه هستند و در جایگاه تماشاگر و ورزش دوست و ورزشکار و قهرمان متحمل آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شوند که در مجموع زیست اجتماعی را برای آنها نامطلوب و خشونت‌بار ساخته است. در عرصه موسیقی حضور زنان فقط خاص تهران است و زنان ساکن در سایر نقاط ایران همچنان از امکانات محدودی که در تهران ایجاد شدهاست محروم مانده‌اند. در سایر عرصه‌های هنر مانند سینما و تئاتر و نقاشی و ... نظام ارزشی حاکم موانعی ایجاد کرده که موجب محدودیت فعالیت تولیدگان محصولات هنری شده است. تهیه‌کنندگان به خصوص برای تهیه آن دسته از فرآورده‌های هنری که مستلزم نمایش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

انواعی از روابط زن و مرد است مجبور به خودسانسوری هستند و نمی‌توانند مشکلات اجتماعی اجتماعی را بازگو کند. بطور کلی، نظام حکومتی ایران در حوزه عمومی به گونه‌ای است که بهبود موقعیت حقوقی و اجتماعی زنان اگر محال بناشد سهل و آسان هم نیست زیرا نه تها با موانع ساختاری بلکه با موانع دیدگاهی دولت مردان مواجه است. از آغاز انقلاب تاکنون نظر غالب بر سه قوه متمایل به تفاسیر سنتی از دین بوده و در نتیجه خشونت خانوادگی، اجتماعی، قانونی و سیاسی نسبت به زنها مهار نشده است.

بررسی زنان در پژوهش‌های قشربندی:

روسلین فلبرگ و اولین گلن، دو مفهومی را که در مطالعه اختلافات طبقه‌ای در جنسیت به کار برده می‌شوند تشخیص داده‌اند یکی مدل شغلی که در مورد مردان به کار برده شده و دیگری مدل جنسیت اساساًدر ارتباط یا زنان مورد استفاده قرار گرفته است. مدل شغلی فرض می کند که روابط اجتماعی اساسی به وسیله کار تعیین میشوند و مردان روسای خانواده‌ها هستند و اشتغال و درآمدهای مالی عامل اصلی موثر بر فعالیت‌های زندگی فرد است. مدل جنسیت می‌پذیرد که مرد رئیس خانواده است اما خانواده را عامل تعیین‌کننده روابط اجتماعی اساسی می‌داند و نه کار را، و نقش‌های خانوادگی را به عنوان کانون اصلی زندگی فرد در نر می گیرد. بر اساس یکیاز پژوهش‌های فلدبرگ و گلن درباره مشاغل با توجه به اینکه شرایط کاری زنان بدتر از مردان در یک کارخانه نساجی قرار داشت، نارضایتی از کار خود ابراز نمی کردند. بلونر معتقد است که دلیل این امر آن است که کار ایمت اساسی در زندگی زنان نداشت و مهمترین نقش‌های آنان نقش همسر و مادر بود.

مشارکت سیاسی و نگرش های سیاسی:

میزان آراء زنان در سه انتخابات گذشته ریاست جمهوری آمریکا تنها بین سه و شش درصد کمتر از آراء مردان بوده است و اختلافات مربوط به جنسیت در رای دادن در سوئد و آلمان و کانادا کاملاً از میان رفته است. در حالی‌که در ایتالیا و ژاپن زنان به نسبت اندکی بیشتر از مردان رای می‌دهند. این ارقام نشان می‌دهند که مانع واقعی برابری زن و مرد حق رای نبوده بلکه تفاوت‌های اجتماعی اساسی تر و ژرفتر میان مردان و زنان را در چارچوب وظایف خانوادگی و خانگی محدود می کردند. نگرش‌های سیاسی زنان تا چه اندازه با نگرش‌های مردان فرق می کنند که بسیاری از طرفدارن حق رای همگانی نخستین حامیان حق رای زنان معتقد بودند که ورود زنان به سیاست زندگی سیاسی را اساساً دگرگون خواهد کرد و حس جدید نوع دوستی و اخلاق به وجود خواهد آورد کسانی که با دادن حق رای به زنان مخالف بودند نیز به همگان گونه گونه استدلال می کردند که مشارکت سیاسی زنان نتایج مهمی به بار خواهد آورد اما از نوعی مصیبت‌بار.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

زنان در سازمان های دینی:

در آئین بودائی به طور سنتی به زنان اجازه داده شده است راهبهباشند که تنها راه بیان مستقیم اعتقاد دینی زنان در مسیحیت نیز بوده است. دین مسیح اساساً برخاسته از جنبشی انقابی بود اما برخی از کلیساهای عمده مسیحی از لحاظ نگرش خود نسبت به زنان از جمله محافظه کارترین سازمان‌ها در جوامع امروزی هستند کشیشان زن مدت‌هاست که در برخی فرقه ها و مذاهب پذیرفته شده‌اند اما کلیساهای کاتولیک و انگلیکن در حمایت رسمی از نابرابری‌های زن و مرد پافشاری می‌کنند.

زن و کار:

قبل از شهرنشینی اکثر زنان وظایف گوناگونی را افزون بر مراقبت کودکان و کارهای خانه انجام می‌دادند با پیدایش و توسعه محلهای کار جدا از خانه، مردان یا به عبارتی تولیدکنندگان برای بیرون رفتند و خانه قلمرو زنان مکانی شد که در آن کالاها در فرایند زندگی خانوادگی مصرف می‌گردید. بانوی خانه یک مصرف‌کننده شد. پس از جنگ جهانی دوم رشد اشغال زنان با گسترش روبرو شد. زنان همچنین بسیار بیشتر از مردان در کارهای مزد بگیری نیمه‌وقت متمرکز گردیده‌اند. زنان نود درصد کارگران نیمه وقت را در انگلستان تشکیل می‌دهند و در حدود ۴۰ درصد کل زنان شاغل مزد بگیری نیمه وقت هستند. بسیاری از زنان پس از تولد نخستین کودکاگر نیروی کار را به کلی ترک نکنند به کار نیمه‌وقت انتقال پیدا می‌کنند.

عوامل موثر بر بهبود موقعیت زنان:

سه عامل عمده مرگ و میرو باروری و شهرنشینی بر بهبود موقعیت زنان تأثیر فراوان دارند کاهش مرگ و میر، افت در سطح باروری و شهرنشینی رو به افزایش، توان زنان را برای احراز نقش‌های اجتماعی و در نتیجه بهبود موقعیت آنها افزایش داده است. به طور کلی هرگونه قدم موثر در راه به وجود آوردن تغییرات جمعیتی و به دنبال آن توسعه اجتماعی- اقتصادی تا حد زیادی به موقعیت زنان مروبط میگردد.

زنان و مسائل اجتماعی معاصر:

افزایش جمعیت به ویژه طی دهه‌های اخیر مسائل اجتماعی عدیده‌ای را عمدتاً برای جوامع رو به توسعه به دنبال اورده است که بیشتر ریشه اجتماعی دارند. مسائلی از نوع ازدیاد جمعیت جوان، اشتغال، وضعیت زنان، مهاجرت، تغییر سریع الگوهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بین آنها و مسائلی از قبیل امروزه در بسیاری از جوامع رو به توسعه به چشم می‌خورد. در این تغییرات جمعیت زنان نقش مهمی به عهده داشته و دارند. تغیر موقعیت زنان می‌تواند تأثیر چشمگیری بر ساختار سنی و جنسی جمعیت داشته باشد به عبارت دیگر، از میان رفتن بسیاری از مسائل اجتماعی خود در گروی تغییرات در موقعیت زنان است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

استقلال اقتصادی زنان:

زنان بر حسب موقعیت جسمی و فیزیکی خود به طبقات خاصی از مشاغل روی می‌اورند، مثل امور حسابداری و امور آموزشی و تربیتی، بهداشت و نظایر آنها. همین محدودیت‌ها، قابلیت رقابت آنها را محدود کرده و در نتیجه تفاوت‌هایی در میزان درآمد آنها به وجود آورده است. طی سال‌های اخیر گرایش زنان به بازارهای کار نسبت به گذشته بیشتر شده است که علت آن را می‌توان افزایش دستمزدها به حساب آورد. به طور کلی ساختار اجتماعی- فرهنگی جوامع پیشرفته امروزه به گونه‌ای است که زنان می‌بایست به لحاظ اقتصادی مستقل و متکی به خود باشند، یعنی جوامعی که نسبت طلاق در آنها افزایش یافته و حتی امروزه به عنوان یک هنجار یا «نرم» تلقی می‌گردد. زنان می‌بایست امکانات معیشتی خود را تأمین کنند. با توجه به چنین فرضیه‌ای یعنی ظهور نظام ارزشی جدید (متداول) شدن طلاق در جامعه و نظیر آن باروری نیز تعدیل و کاهش یافته است.

نیاز به مدیران زن بیشتر و علل آن:

سازمان بین‌المللی کار که مدافع جدی حقوق کارگران و نیروی انسانی بوده است، تأکیدی فراوان بر استخدام زنان دارد. این سازمان به سه دلیل زیر توصیه می‌نماید تا از نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی، و مدیریت هر چه بیشتر استفاده گردد:

به دلیل حقوق بشر زنان حدود نیمی از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده و بیش از یک سوم نیروی کار یعنی ٪۳۳ مربوط به آنهاست بدین دلیل با آنها می‌بایست در چارچوب اشتغال به شکلی برابر رفتار شود.

به دلیل عدالت اجتماعی و حفظ آن: تبعیض بین زنان و مردان در ارتباط با موقعیت‌های اجتماعی و استفاده از توانائیها و خلاقیت‌های آنها باید از میان برداشت شود و بدین گونه تسلسل عدالت اجتماعی تحکیم گردد.

جهت تسریع جریان توسعه: به خاطر دستیابی به توسعه و پایدار کردن پویائی اقتصادی و اجتماعی، از این منابع می‌بایست به نحوی مطلوب استفاده گردد و بدین گونه توازنی در منابع انسانی به وجود آید. لذا به دلایل فوق و دلایل دیگر از توانائی‌های این جمعیت می‌بایست به بهترین شکلی استفاده کرد تا توسعه اقتصادی- اجتماعی به بهترین شکلی قابل دسترسی باشد.

ورود زنان به قلمرو توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با موانعی نیز مواجه می‌گردد. در مواردی این موانع ریشه‌هایی تاریخی و فرهنگی دارد، لذا به راحتی نمی‌توان آنها را از میان برداشت. بر اساس مطالعات و تحقیقاتی که روی نقش زنان نقش زنان در توسعه صورت گرفته است، سه عامل عمده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

که منجر به موقعیت ضعیف زنان در جامعه می‌شود شناسایی گردیده است. این جریان در بخش خصوص بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و عبارتند از:

۱- در یک فرهنگ مدیریتی که تسلط بیشتر با مردان است زنان با موانعی مواجه می گردند.

۲- روند گذشته جامعه تبعیضاتی را بین دو جنس به وجود آورده و این خود به عنوان مانع عمده‌ای در برابر زنان مطرح است این جریان باعث گردیده تا مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنها در حد پایینی صورت گیرد.

۳- نادیده گرفتن پتانسیل‌ها و توانایی‌های زنان در امور مربوط به مدیریت اقتصادی، منظور اینکه توانایی‌های بالقوه و واقعی زنان در این زمینه به رسمیت شناخته نشده است. آنچه مانع پیشرفت حرفه‌ای زنان می گردد شرایط کاری همراه با تعصب است که در یک فرهنگ کاری مرد سالاری ظاهر می گردد. مثلاً قوانین مربوط به اشتغال نظام ارزیابی و مقررات مروبط به آن تا حد زیادی حاکی از تعصبات جنسی است. از آنجا که شرایط کاری عمدتاً به نفع کارکنان مرد و کارفرمایان مرد وضع گردیده است این شرایط عموماً حمایت و همدردی لازم را نسبت به کارکنان زن ابراز نمی دارد. از این رو نقش و دیدگان زنان در زندگی کاری به گونه ای دیگر جلوه گر می‌شود.

شاید به طور عرفی و سنتی چنین طرز تفکری در اغلب جوامع در ارتباط با دستیابی زنان به صنعت مدیریت و صنعت همراه با مدیریت و ... وجود داشته و دارد. بعضی جوامع طی نیم قرن اخیر تلاش کرده‌اند تا چنین موانعی را بشکنند و از زنان در امور تولید و صنعت بیشتر استفاده نمایند. تحقیقات انجام گرفته در چین حاکی از این است که چنین تحولی در ارتباط با زنان در آن جامعه در حد وسیعی صورت گرفته است. به وجود آوردن برابری و مساوات بین زن و مرد مبتنی بر مشارکت هماهنگ بین آنها به نحوی که زنان بتوانند توانائی‌های کامل خود را تشخیص دهند. جهت اطمینان بخشیدن نسبت به اینکه مشارکت بیشتر زنان می‌تواند ضامن توسعه پایدار از طریق دخالت آنان در فرایند سیاست‌گذاری در مراحل مختلف تصمیم‌گیری باشد، در کلیه این مراحل جنبه‌های مربوط به تولید و اشتغال و فعالیتهای درآمدزا و... مورد تأکید قرار گرفته است.

اقدامات جوامع و بهبود موقعیت زنان:

الف- از طریق تأسیس و به وجود آوردن مکانیزم‌های برای مشارکت برابر زنان، به نحوی که در کلیه سطوح بتوانند خود را نشان دهند. یعنی در سطح جامعه و ... قادر گردند تا نیازها و خواسته‌های خود را به راحتی باین دارند.

ب- ارتقای موقعیت کاری و نقش‌های زنان از طریق رشد و توسعه آموزش و مهارت و اشتغال انها به نحوی که بتوان فقر و بی‌سوادی و بهداشت نامناسب را در جامعه ریشه کن کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ج- برطرف کردن کلیه تبعیض‌ها علیه‌ی زنان به نحوی که آنها موقعیت و حقوق خود را به بهترین شکلی تشخیص دهند یا به عبارتی از حقوق خود در زمینه‌های مختلف استفاده کنند.

د- پیش گرفتن و اقتباس معیارهای مناسبی که از آن طریق بتوان بهبودی در وضعیت درآمد زنان به وجود آورد.

ه- از بین بردن خشونت علیه زنان

و- از میان برداشتناعمال تبعیض‌آمیز که معمولاً توسط کارفرمایان در مقابل زنان صورت می‌گیرد.

ز- دادن این امکانات به زنان از طریق قانون که بتوانند نقش‌های اجتماعی و نقش‌های مادرانه خود را در کنار هم و به بهترین شکلی انجام دهند- نظیر حفظ و نگهداری از کودکان، شیردهی، حفظ خانه در کنار مشارکت داشتن در نیروی کار و...

در کتاب طرفداری جدید از زنان اثر خانم «ماریا دولودرس پنیازیگلو» که در سال ۱۹۷۹ نخست وزیر پرتقال بود تاریخ و نحوه طرح مسائل اساسی این جنبش مشخص گردیده است. رژین پرنود ثابت می‌کند که مقام زن در بطن جامعه... به نسبت گسترش سرمایه‌داری محدود می‌گردد، به عبارت دیگر قدرت اقتصادی باعث شده است که سرمایه دار همه قدرتهای اجتماعی و سیاسی را به خود اختصاص دهد. این قانون تاریخی یک حقیقت کلی است: در هر جامعه‌ای که اقتصاد پایه در مقابل اقتصاد بازاری محکوم به عقب‌نشینی شد یک جدایی واقعی بوجود می‌آید و اغلب سعی می کنند این «جدائی» را با جنسیت، نژاد و طبقه و یا با کار «منزل»و کار در اجتماع توجیه کنند؛ اجتماعی که سازمان‌دهندگانشان آن را در سطوح مختلف زندگی خارج از خانواده توجیه می‌نمایند، در سال ۱۸۸۱ «انگلیس» در کتاب ریشه‌های خانواده، مالکیت خصوصی و دولت متذکر شده بود که اولین تقسیم کار همان تقسیم کار بین زن و مرد است و اولین ستم و جفا هم همان جفای مرد بر زن است. کارل مارکس نیز این مطلب را در سال ۱۸۳۶ در کتاب «ایدئولوژی آلمان» بیان کرده بود اگر چه کار در منزل شرط اساسی زندگی است و یک سوم کار ملی هر ملت را تشکیل می‌دهد اما جزء تولید ناخالص ملی یا تولید خام داخلی به حساب نمی‌آید و حتی جزء سرمایه ملی نیز محسوب نمی‌گردد، تعجب برانگیزتر این است که حتی وقتی زنان از کار بی‌مزد منزل فارغ می‌شوند و مایل به انجام کار در خارج از منزل هستند در اکثر موارد کم درآمدترین کم فردترین و بی‌کیفیت‌ترین پستترین کارها به آنان واگذار می‌شود. در فرانسه کمتر از ۴٪ زنان فعال به شست‌های عالی دست می‌یابند و فقط ۷٪روسای موسات زن هستند (در موسسات بزرگ این نسبت به مراتب کمتر است) در عوض ۷۰٪ کارمندان ادارات و ۸۰٪ پرسنل خدماتی و ۶۵٪ پرسنل خدمات اجتماعی را زنان تشکیل می‌دهند به موجب اسناد رسمی وزارت کار فرانسه در سال ۱۹۸۰ در رابطه با کار زنان در مجموع فرد زنان ٪۳۰ از مردان و شرایط کاری آنان خیلی پایین‌تر از مردان است. ارزش اجتماعی کار زنان تقریباً به حساب نمی آید، لذا به خوبی درک می کنیم که تقاضای «برابری» کار چه در تقسیم عادلانه کار منزل و چه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یکسانی فرد در کارهای اجتماعی، دقیقاً ضروری می‌نماید. در مواردی که زن به اندازه مرد کار می کند فرد دو نفر باید برابر باشد این اصلی بود که در سال ۱۹۴۶ در سال فرانسه تصویب و اعلام گرید اما در عمل هرگز اجرا نشد بهتر است به گذشته نظری بیفکنیم و عصری را مورد بررسی قرار دهیم که در آن خشن‌ترین تقسیم اقتصادی جنس‌ها بین قلمرو خانه و قلمرو اجتماع انجام شده است و زنان عملاً در چهار دیواری منزل محبوس گشته‌اند، اوج این نظام در قرن نوزدهم به چشم می‌خورد.

مردها به تقسیم نقش‌های مرد و زن در خانواده پرداخته اتند و کارهای منزل را بر عهده زن گذاشتند، حتی زمانی که پایه یعنی اقتصادی که در آن تولید خانواده اساس کار است بویژه در روستاهات تقسیم کار چندانی فرقی ندارد و در مجموع این اقتصاد اساس واحد خانواده است. از قرن چهاردهم توسط سقوط اعتبار زنان آغاز شد، در آن زمان زنان حق داشتن ملک انحصاری نداشتند و به موجب قوانین، زنان از مالکیت دارائی هایشان محروم شدند. دیدگاه فلاسفه ضمن قرار دادن مردانی که وظیفه مقدس تولید را به عهده دارند در مقابل زنان خلاق نمک خود را بر روی این زخم پاشیده‌اند، جهان موجود در انتظار خلاقیت زنان است، در صورتیکه آنان تولید مردان را موجب همه نوع «پیشرفت» و «رش» می‌پندارند. وقتی اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه برتری پیدا کرد، اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خوشه دار می‌شود، این فقط یک پدیده اقتصادی نیست بلکه پدیده سیاسی و فرهنگی نیز می باشد.

شرکت زنان در ساختار جامعه به هیچ وجه به این معنی نیست که نقش مردان در جامعه محدود شود و یا زنان بخواهند در مقابل مردان قرار بگیرند بلکه منظور این است کهع نشان داده شود ممانعت از شرکت زنان در ایجاد فرهنگ و جامعه تا چه حد موجب عقب افتادگی و فقر معنوی بشریت می‌گردد. اگر چه ظاهراً تبلیغ می شود که «رشد» صنعتی موجب تسهیل کار زنان در منزل می‌گردد البته ابزاری برای تولید می شوند که در انجام کارهای منزل به زنان کمک می‌کنند اما در حقیقت زنان قربانیان اصلی رشد کورکورانه صنعتی و اجتماعی می‌باشند. نظام رشد آنان را مجبور به پرداخت تاوان این بهبودها و تسهیلات غیر قابل انکار می‌نماید، انها را به مترسک‌هایی تبدیل و به جامعه و عصر ما معرفی کرده است، نام رشد کنونی یک رشد صفر است چون به موجب نظام رشد صفر سال آینده هر شخص بهتر از سال جاری او نخواهد بود. روابط اساسی جدید ا جهان سوم و اقدامات جسورانه به ما اجازه می‌دهد بازار کار را به زنان در آن به وضع عجیبی مغضوب شده‌اند بطور کامل عوض کنیم. زنان قربانی بیکاری فزاینده‌ای هستند چون کارفرمایان آنان که صاحبان شرکت‌های چند ملیتی می‌باشند. مراکز کارهای یومی را به مناطق جهان سوم برده‌اند تا بتوانند از دست کار ارزانتری استفاده کنند. اگر زنان کشورهای ما و زنان کشورهای جهان سوم قربانیان اصلی این نوع رشد هستند در عوض می‌توانند پیشاپیش خطوط اصلی رشد جدید را ترسیم نمایند. انگلس می‌نویسد: مادام که زن از کارهای تولیدی اجتماعی دور نگه داشته شود و فقط محکوم به انجام کارهای خصوصی منزل باشد رهائی او و برابری شرایطش با شرایط مرد غیرممکن است و غیرممکن خواهد ماند،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

برای اینکه رهایی زن تحقق یابد ابتدا باید زن بتواند در تولید تمام سطوح اجتماع شرکت داشته باشد و کارهای منزل فقط قسمت کمی از وقت او را بگیرد، بدین ترتیب انگس با دلیل منطقی لزوم پایان بخشیدن به نظام تقسیم کار براساس جنس زن و مرد را یادآور می‌شود، نظامی که همیشه باعث خانه‌نشیی زنها ده است. مع ذالک دو مطلب باید مانع آن شود که ما تمام معایب را در وجود نظام اجتماعی جستجو کنیم، اول اینکه در طول یک دوره طولانی کار خارج از منزل آنها نشأت می گرفت؛ زنان از خیاطی خانوادگی به کارخانه پارچه بافی راه یافتند و از آشپزی منزل به کارهای نگهداری مواد غذایی پرداختند. از مراقبت افراد منزل به فعالیت‌های پرستاری و متعاقب آن به فعالیت‌های اموزشی و کمک کاری اجتماعی دست یافتد و بالاخره به کارهای اداری رو آوردند و در پایان بطور گروهی مشغول کار در کارخانه‌ها شدند، بعلاوه و این نکیته دوم است بدون شک امکانات جدیدی در کانون خانوادگی به زن داده شده است اما نمی‌توان گفت که چون زن از حالت کارگر زیر دست به کارگر واقعی تبدیل شده پیروزی بزرگی کسب کرده است. اما در اینجا متذکر می‌شویم که آزادی زنان فقط با شرکت انان در تولید کسب نمی گردد، این مطلب به ما نشان می‌دهد که آزادی و مبارزه زنان با آزادی و مبارزه مردان که خواهان تشکیلات کارگری دور از استشعار و استعمار باشد تا چه اندازه ارتباط نزدیک دارد. در نظام رشد فعلی این بهره‌کشی فقط در محل تولید وجود ندارد بلکه در مصرف نیز استشعار بیداد می کند و زنا اولین هدف‌ها و اولین قربانیان این نظام می‌باشند. این نظام زنان را مجبور می کند که بعلاوه کار منزل به کار خارج از منزل بپردازند چون درآمد شوهر برای اداره خانواده کافی نیست، در صورتی که اگر درآمد شوهر کفاف مخارج منزل را می‌داد بسیاری از زنان مایل به کار بیرون از منزل نبودند.

جامعه مترقی امروز، زنان را به اشکال گوناگون در می‌آورد که اغلب برای تولید منافع ویژه مردان است، تبلیغات وسایل زیبائی و مواد لاغرکننده و مدل‌های زندگی که بوسیله سینما و تلویزیون و بر اساس زندگی چند زن ساندویچ اقلیت انگل هالیود ساخته شده است...

نتایج این ایزاء فقط اقتصادی نیست، مدل کلی روابط مالکیت و تسلط نظام در تمام روابط انسانی و حتی صمیم ترین روابط خانوادگی و جنسی نفوذ می کند تا به نفع قدرتمند عمل کرده باشد. جای تردید نیست که در وراء هر نوع حق طلبی اقتصادی و سیاسی زنان تقاضای انقلاب فرهنگی به معنی وسیع نهفته است. به این معنی که زنان طالب دگرگونی هنجارها و دگرگونی در نحوه درک زنان و دگرگونی در ویژگی اقتصادی و سیاسی و تاریخی و فرهنگی موجود می‌باشند. «فرانس کره» به خوبی نشان می‌دهد که آنچه در انجام کار منزل تحقیرکننده‌تر از همه چیز است حالتی است که آدم در آن قرار می گیرد، در یک جامعه که همه چیز با معیار پول سنجیده می شود چون کار منزل پول ساز نیست در نتیجه ارزشی هم ندارد، در صورتیکه کار منزل بیش از بسیاری از کارهای پول ساز بیرون نظیر ماشین نویس و یا کار اداری به ابتکار و خلاقیت یومیه نیاز دارد. امروز ه تقاضای حق برابری زنان مفهوم جدیدی به خود گرفته است به این معنی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

که دیگر فقط برابری اصولی نظیر برابری اقتصادی و سیاسی و قضای مطرح نیست چون وقتی از آغاز امکانات برای هر دو در یک سطح نباشد برابری نوعی بی‌عدالتی است، مجموع نظام اجتماعی ما اکثریت بزرگ زنان را از این امکانات محروم می‌کند. لذا مسأله این است که از این پس زنان نباید خود را فقط در محدوده تقاضای حق برابری زندانی کنند. البته فعالیت در این زمینه کاملاً لازم است اما کافی نیست، زنان باید در رأس تمام اشکال سازمان‌های مبارزاتی آزادی خواهی قرار گیرند.

زن و کار از دیدگاه اجتماعی- اقتصادی:

شرایط اقتصادی- اجتماعی در عصر حاضر باعث شده است تا زنان در فعالیت‌های اقتصادی اشتغال و ایفای نقش‌هایی در جامعه خود را به نحوی عرضه کند، یعنی از نقش دوگانه خود منظور مولد اقتصادیبودن و نقش داشتن خود در زاد ولد، استفاده نمایند. این در حالی است که در جوامع سنتی تولید اقتصاد مربوط به مردان و تولید مروبط به زنان است در جوامع توسعه یافته و صنعتی این دو نقش عموماً در کنار یکدیگر ایفا می‌گردد و یکی از رموز موفقیت اجتماعی و اقتصادی آنها نیز همین جریان می‌باشد. یعنی جریانی که در آن زنان می‌توانند هم در توسعه اجتماعی و اقتصادی آنها باشند و هم در بهبود موقعیت خود. در جوامع کمتر توسعه یافته در موارد زیادی به خاطر عدم هماهنگی یا هماهنگی غیرکافی بین دو جریان فوق یعنی مولد اقتصادیبودن و مولد بچه بودن بسیاری از زنان مورد اول را نمی‌پذیرند یا در مواردی که آن را دارا می‌باشند ترک شغل می‌کنند که خود جای بحث دارد.

استاد شهید مطهری:

استاد شهید مرتضی مطهری نهضت اسلامی دفاع از حقوق زنان را با نهضتی که در این زمینه در مغرب زمین به وجود آمده مقایسه کرده و تفاوت‌های آن دو را چنین برمی‌شمارند: گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می‌گذرد و دیگران از آنها تقلید می‌کنند دو تفاوت اساسی دارد: اولی در ناحیه روانشناسی زن و مرد. اسلام در این زمینه اعجاز کرده است. تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آنکه زنان را به حقوق انسانی شان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد هرگز آنها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد. ایشان در جایی دیگر تفسیر تاریخ روابط زن و مرد بر اساس تضاد و تعارض دو جنس را به شدت رد کرده و می‌فرماید: چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و رمد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و بر پایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات (کلام‌های بیهوده) در این زمینه بافته شده است!

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بررسی زنان در پژوهش‌های قشربندی:

روسلین فلبرگ و اولین گلن، دو مدل مفهومی را در مطالعه اختلافات طبقه‌ای جنسیت به کار برده میشوند تشخیص داده‌اند. یکی مدل شغلی که در مورد مردان به کار برده شده و دیگری مدل جنسیت اساساً در ارتباط با زنان مورد استفاده قرار گرفته است. مدل شغلی فرض می‌کند که روابط اجتماعی اساسی به وسیله کار تعیین می‌شوند و مردان روسای خانواده‌ها هستند و اشتغال و درآمدهای مالی عامل اصلی موثر بر فعالیت‌های زندگی فرد است. مدل جنسیت می‌پذیرد که مرد رئیس خانواده است اما خانواده را عامل تعیین‌کننده روابط اجتماعی اساسی می‌داند و نه کار را و نقش‌های خانوادگی را به عنوان کانون اصلی زندگی فرد در نظر می‌گیرد.

بر اساس یکی از پژوهش‌های فلدبرگ و گلن درباره مشاغل: با توجه به اینکه شرایط کاری زنان بدتر از مردان در یک کارخانه نساجی قرار داشت، نارضایتی از کار خود ابراز نمی‌کردند، بلونر معتقد است که دلیل این امر آن است که کار اهمیت اساسی در زندگی زنان نداشت و مهمترین نقش‌های آنان نقش همسر و مادر بود.

مشارکت سیاسی زنان:

الگوهای رای دادن و نگرش‌های سیاسی:

میزان آراء زنان در سه انتخابات گذشته ریاست جمهوری آمریکا تنها بین سه و شش درصد کمتر از آراء مردان بوده است و اختلافات مربوط به جنسیت در رای دادن در سوئد و آلمان و کانادا کاملاً از میان رفته است. در حالیکه در ایتالیا و ژاپن زنان نسبت اندکی بیشتر از مردان رای می‌دهند. نگرش‌های سیاسی زنان تا چه اندازه با نگرش‌های مردان فرق می‌کنند که بسیاری از طرفداران حق رای همگانی نخستین حامیان حق رای زنان معتقد بودند که ورود زنان به سیاست زندگی سیاسی را اساساً دگرگون خواهد کرد و حس جدید نوع دوستی و اخاق به وجود خواهد آورد کسانی که با دادن حق رای به زنان مخالف بودند نیز به همانگونه استدلال می‌کردند که مشارکت سیاسی زنان نتایج مهمی به بار خواهدآورد اما از نوعی مصیبت بار.

نتیجه‌گیری:

به هرحال در جامعه ا زندگی می‌کنیم که مبنی این جامعه را اعتقاد و دین تشکیل داده و در سایه این دین همه افراد دارای حق یکسانی برای زیستن و زندگی کردن می‌باشند. در هر عرصه و ابعاد از زدگی خلق آفریده شده برای ماندن، زیستن و رای چگونه زیستن پس نیاز ماندن و زندگی کردن تلاش است و کوشش و این کوشش بمثابه تنفس است برای حیات برای بقا، برای اثبات اینکه من حق دارم باشم و برای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بودن تلاش، کوشش و فریاد برمی‌آورد. همانطور که خداوند در قرآن‌کریم فرمودند ما شما را از جنس‌های متفاوت (مرد و زن) آفریدیم و در کنار این آفرینش طبیعت مملو از سرمایه‌های جاودانی برای امرار معاش را به شما تقدیم کردیم تا در این سرزمین پاک، پاک باشید و پاک تلاش کنید، پاک بخورید و پاکیزه بیاشامید. پس درمی‌یابیم که تلاش مختص مردها نیست بلکه همدوش مردها و در کنار مردها زن‌ها هستند که در همه عرصه‌های جامعه با حضور خویش عزم و جزم را نواخته و در این مشارکت عظیم یقیناً می‌توان از نماد کمی و کیفی این نسل را بررسی نمود. از بدو تولد بشر و خلقت آفرینش زن در کنار مرد نیازی اساسی وجود را تکمیل نمود و گذر زمان در ساختار نهادی جامعه یک روی سکه تکمیل‌کننده بشمار آمده و در فردای جامعه دنیا می‌آیند و دیگری را به مجموعه جامعه می‌بخشید. جامعه بدوی در کنار مرد در شرایط سخت و جانگیر دوران اولیه زندگی گروهی و اجتماعی در کنار مرد چگونه زیستن را آموخت و در شادی و غم نقش پر عظمت خویش را در اسطوره‌های جامعه به عنوان الگوهای تابناک و همیشه جاوید و به یاد ماندنی عظمت و بزرگی و شجاعت و سلحشوری خویش را چون سربازی در جنگ در سنگر خانواده و زندگی همسنگر مردان اهنین بوده و هست. پس از حضور فعالانه و کوشش زنان جوامع اولیه و ابتدایی در کنار مردان و اثرات ارزنده این حضور این حضور را به طور ساده می‌توان گفت تنها تکیه گاه و قوت قلب مردان سخت‌کوش آن ایام سخت و طاقت فرسا وجود و حضور همسنگران شجاع و مهربانی چون زنان بود که انسان را و خانواده و جوامع را از گزند آفت‌ها و آسیب‌های وحشتناک ان ایام رهانید و محافظت نمود. هر چه تاریخ سیر رو به جلوی خود را طی می‌نمود جوامع شاهد حضور بیشتر و پیشروتر، جاودانه‌تر و پرافتخارتر حضور زنان در جامعه را نمایش می‌گذاشت. می‌توان فراموش کرد حضور زنان حضور با ایمان و افتخار آفرین در جامعه علی‌الخصوص از بدو تولد تاکنون. به طور خلاصه عرض می‌نماییم شگفتی نقش آفرین همسر با وفا و جاودانه ای چون حضرت خدیجه در کنار پیامبران خود بیانگر تأثیر پذیری حضور زن در جامعه و مشارکت در امور اجتماعی و کسب مرتبه اصلی و پیشرفت و عظمت را می‌نماید از سوی دیگر حضور حضرت زینب و حضرت زهرا (س) هر یک سیمای جاودانگی و عظمت و بزرگواری که تاریخ در وصف و توصیف نقش پر عظمت و پرمایه گرانبهای این بشر (زنان) تقوا و صلابت را عاجز است. تنها در ضمیر شخصیت با عظمت و جاوید مردان آن روزگار این توان توصیف نقش ارزنده حضور زنان فداکار در کنار ایشان و همسنگری شجاع و صبور مقاوم را معرفی می‌نماید. نمی توان شجاعت زینب کبری را در عاشورا و پس از عاشورا و اثر روح بخشی از نظر ابعاد روان‌شناختی آن فاجعه عظیم که ریشه دینی و اسلام از آن جان گرفته را از یاد برد. مردان در سنگر نبرد می‌یافتند که چگونه فرماندهی زینب را در کاروان اهل بیت و قوت قلبی برای ایستادن و مقاومت کردن و سرافرازانه زیستن را. هیچگاه نمی‌توان نقش ارزنده و کیمیای حضرت زهرا (س) را در زندگی پر افتخار حضرت علی (ع) نادیده انگاشت و تقوا و حضور مداوم در توان‌بخشی و روحیه‌سازی و مقاومت در کنار

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

همسری چون علی (ع) را آموخت چگونه باشد و چگونه بماند. در ستاندن حق خویش، بشر غران در محکمه عثمان فریاد برمی‌آورد که چه شده است براریکه قدرت تکیه نموده اید و حق و ناحق می کنید و بر مردم ظلم روا می‌دارید. امروز تاریخ فریاد می‌زند که نیاز یک جامعه مشارکت و حضور همه اعضای آن جامعه است و برای تداوم زیستن هر یک به نقشی محول گشته‌ایم باید ردان و زنان هر یک به سهم خویش تلاش و کوشش کرده و در کنار این تلاش ما اظهار نظرات صاحب‌نظران را می‌نگریم و ارزش این نقش ارزنده زنان در جامعه را بیشتر با توجه به ساخت جنسی جمعیت کشور مشاهده می‌کنیم که زدک به نیمی از جمعیت کشور ۴۸/۹ درصد را در آن تشکیل می دهد ولی به دلایل فرهنگی و سنتی نقش آنها در فعالیت‌های اقتصادی پیگیری و گسترش نیافته محدودیت فعالیت زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی یکی از عوامل اساسی اختلاف فعالیت بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشد از سویی میزان فعالیت زنان در امور اقتصادی و ازر سویی هم به سه وضع تأهل و درجه تسهیلات و از سوی دیگر به امانات اشتغال بستگی دارد اگر مسئل اشتغال جمعیت را بر حسب جنسیت مورد مطالعه قرار دهیم متوجه خواهیم شد که تمام اشتغالیات در دهه اخیر عمدتاً تعلق به مردان است و اشتغال زنان در دهه ۱۳۵۵ تا ۶۵ متوسط در هر سال ۲٪ کاهش نشان داده است. می‌توان دریافت که کاهش سهم اشتغال زنان در جامعه روستایی بیشتر و به طور متوسط در هر سال ۵۵ کاهش داشته است. بیکاری زنان و عدم مشارکت آنان عمده‌ترین موانع و مشکلات آنان در اشتغال به عوامل عدم بکارگیری کلیه نیروهای موجود در امر توسعه و بازسازی بر دیگر شئون اجتماعی و فرهنگی از قبیل الگوی باروری و صلاحیت‌ها و تجارب بیشتر برای تربیت فرزندان تأثیر منفی می‌گذارد و ثابت شده است که در پس اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و در ده سال اخیر تا حدی روشن شده‌اند که کاهش فعالیت زنان و مشکلات انان در این مورد در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بوده است نکته دیگر اینکه میزان بیکاری زنان تحصیل کرده بیشتر از مردان است آنطور که مشخص است در سال ۱۳۶۵ از هر ۱۰۰ فارغ التحصیل مرد ۱۰ نفر و از هر ۱۰۰ فارغ التحصیل زن ۳۰ نفر جویای کار بودند به کار گیری بیشتر زنان خصوصاً زنان تحصیل کرده در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به مجموعه نظام اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور و پیدا کردن راه‌حل‌ها برای مبارزه با فقر و رسیدن به رفاه نسبی و توزیع عادلانه درآمد سرانه ضرورت دارد. بنابراین لازم است موقعیت و نقش زنان در فعالیت‌های گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی جایگاه شایسته خود در نظام نوین اقتصادی پیدا کنند مطابق سرشماری عمومی کشور از کل شاغلین زن میزان شاغلین در بخش‌های صنعت بیشتر از بقیه بخش‌ها بوده هر چند بیکاری به هنگام باران‌ها رکود اقتصادی امری همگانی و عام تلقی می‌شود اما مشاهده شده است که بعضی گروه‌های خاص در مجموع بیش از سایر گروه‌ها در معرض بیکاری و عدم اشتغال و به نوعی با محدودیت شغلی روبرو می باشند از جمله این گروهها میتوان زنان را نام برد به طور معمول بیکاری زنان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بیش ازسایر گروه‌ها مشهود گشته زیرا گروه‌های سنی جوان زن هر سال بیشتر از سال پیش به سن فعالیت می‌رسند و پس از فراغت از تحصیل به بازار کار روی می‌اورند تا هنگامی که کاری مطابق میل و سلیقه خود پیدا کنند مدت‌ها طول می‌کشد علاوه بر این مشاغلی که برای نخستین بار برای جوانان زن جویای کار عرضه می‌شود یا در بخش خدمات است و یا در بخشی از صنایع که به مهارت و تخصص زیاد احتیاج ندارد این‌گونه مشاغل معمولاً با میزان بالایی جابجایی کار همراه است و اکثر اوقات شامل کارهای موقتی یا فصلی یا مشاغلی که معمولاً بدون مطالعه کافی و بر حسب تصادف به دست می اورند. و به همین دلیل آن کار را به سرعت ترک می‌نمایند مطالعات بدست آمده از وضعیت نیروی انسانی نیروی دولتی به عمل آمده این واقعیت را ثابت می‌کند که طبق این اطلاعات در سطوح تخصصی زنان بیشتر از هر قشری مایل به خروج از دستگاه دولتی و یا جابجایی از آن هستند. آنچه که حقیقت دارد عمده‌ترین موانع مشکلات اشتغال زنان به جز آداب و رسوم و ویژگی‌های فرهنگی جامعه زنان همین که در شغل خود علاقه‌ای نداشته باشند بدون هیچگونه اعتراضی یا مشکلات سیاسی، اجتماعی از صحنه کار خارج می‌شوند و اکثر اوقات و یا ممنوعیت زنان از جمله موارد دوران بارداری یا وضع حمل بدون جانشین بهانه شیفت برای اخراج از کار. در کل می‌توان نتیجه گرفت: که در کنار مشکل بیکاری وسیع در کشور تقاضای نیروی انسانی ماهر و متخصص به چشم می‌خورد نقش سواد و تخصص و دانش فنی در تحول قدرت تولیدی کشور انکارناپذیر است از آنجا که یکی از عوامل مهم و اصلی رشد بازدارنده رشد اقتصادی کشور کمبود نیروی ماهر و متخصص است باید استراتژی دقیقی برای توسعه منابع انسانی تدوین شود با توجه به بیش از نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند باید مسئولان با مد نظر قرار دادن افزایش تولید ناخالص ملی و افزایش بهره‌بری کار امکان شرکت افراد جویای کار به ویژه زنان را در فعالیت‌های اقتصادی بدون هیچگونه ممانعتی در نظر داشته باشند. از سویی هم هدف اصلی تأمین تخصص مهارت، و صلاحیت لازم را برای تأمین رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور فراهم نماید.

نیروی انانی در کشور ابزار لازم و ضروری برای توسعه اقتصادی است و بدون داشتن نیروی انسانی کارامد و متخصص دستیابی به توسعه امری غیرممکن است سیاست‌های انحصاری باید به طوری پیش‌بینی گردد که همراه با درنظر گرفتن بکارگیری پتانسیل قوی و کارآمد بدور از هرگونه مانع تراشی و قوانین سد معبری با استفاده به جا و اصولی و منطقی از این همه نیروی کارآمد و فعال زنان حداکثر استفاده را ببرند و شرایط لازم را برای اشتغال که همه ساله وارد بازار کار می شوند را فراهم کند.

ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات:

در چارچوب هدفهای کلی رشد اقتصادی کشور ضرورت تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اشتغال مسئولان باید با در نظر گرفتن رشد فرآیند جمعیت که امری است انکارنکردنی و از سویی هم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

افزایش تعاد شاغلان زن در کل جمعیت باید امکان گسترش فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی با میزان سرمایه‌گذاری و روند توسعه اقتصادی که رابطه مستقیم داردئ از سویی نتیجه افزایش درآمد سرانه و ملی و تولید ناخالص ملی بدون توجه به سیاست اشتغال و استفاده حداکثری از این پتانسیل کارامد و افزون غیر مکن است. دولت مردان باید رشد اقتصادی را با سیاست و اشتغال تلفیق دهند در این راستا حذف ممنوعیت‌های غیرمنطقی و غیراصولی، بکارگیری زنان در بخش‌های تولید و به وجود آوردن شغل‌های کافی و ضروری از این همه نیروی بالقوه و مستعد و توانمند زنان، توازن بین نیروی کار و تقاضا برای کار. تنها با بکارگیری این نیرو عظیم میباشد. از جمله مسائلی که باید و بدور از تنگ نظرها در ارتباط با سیاست‌های کلی و رشد و توسعه و تخصیص منابع و امکانات بین بخش‌های مختلف اقتصادی مدنظر قرار گیرد و از سویی هم با توجه به کمبود بروی کار متخصص و ماهر توزیع نیروی انسانی در بخش‌های مختلف فعالیت باید تضمین‌کننده رشد اساسی‌ترین بخش‌ها باشد تا موجبات بیشتری میزان رشد در بهره‌وری و کار و پویایی را در ساختار کلی نظام اقتصادی کشور فراهم شود.

و دیگر آنکه توسعه کشور در میان‌مدت و دراز مدت همراه با بکارگیری نیروهای زبده و ماهر و متخصص است لذا سیاستها و تصمیم‌گیری‌ها باید دوراندیشانه و فراگیر باشد و با تربیت نیروهای متخصص در سطح وسیع پاسخگوی نیازهای بخش‌های مختلف را فراهم گرداند روشن است که برنامه ریزهای کوتاه مدت چاره‌ای جز تلفیق عرضه و تقاضای فصلی نیروی کار را ندارد البته جهت‌گیری باید به سوی فعالیت‌هایی باشد که جدا از جنبه اشتغال‌زایی تضمین‌کننده امنیت شغلی زنان را فراهم گرداند. در عین حال بیشترین بهره‌وری و بازدهی داشته باشد توجه به مسائل جمعیتی و تأثیری که بر ساخت کلی اشتغال و بنیانهای اقتصادی و توسعه کشور خواهد گذاشت زیربنایی اندیشه شود. با توجه به خطرات افزایش جمعیت تنها مشکل این امر افزایش میزان مصرف و کمبود منابع داخلی نیست بلکه اگر ظرفیت تولیدی کشور با میزان رشد مصرف افزایش حاصل نگردد فشارهای شدید تورمی نمایان و گریبان‌گیر جامعه خواهد شد واین امر لطمه زیادی به هرگونه رشد اقتصادی و اجتماعی خواهد زد. مسئولان باید چاره‌اندیش کند که با فراهم نمودن دست کم دو میلیون فرصت شغلی جدید بوجود آورنده دگرگونی و تغییرات در بخش بیکاری بویژه بیکاری زنان حاصل گردد.

عمده‌ترین عدم توسعه‌نیافتگی عدم دستیابی به پیشرفت و تولید اقتصادی ریشه گرفته از عدم تناسب افزایش سالانه جمعیت و ایجاد مشاغل جدید است که نتیجه اش گسترش روز افزون بیکار در جامعه می‌گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

پیشنهادات:

۱- لازم است نگرش جدید در بخش اشتغالزایی و به کارگیری و جذب نیروها بویژه نیروی عظیم زنان در بخش‌های مختلف بکار گیری و اشتغال صورت گیرد این امر با توجه خاص بر حذف مشروط‌های جذب نیرو از لحاظ عرفی و سنتی و شرایط‌های غیراصولی تبعیضات جنسی همراه باشد.

۲- با توجه به افزونی جمعیت زنان نسبت به مردان بویژه جمعیت فعال زنان نیازمند جامعه ما است که مسئولان همراه با دید وسیع و دوراندیش در کنار هزینه و سرمایه‌گذاری‌های اصولی برای تربیت صحیح و مهارت فنی و تخصص در همه عرصه‌ها جذب نیروی کار با رعایت اصول انسانی که بکارگیری این نیروی عظیم بهتر است ماهیت گمنامی و بدنامی این قشر در جامعه خواهد بود.

۳- رسیدن به اهداف اقتصادی:با توجه به مبنای ایدئولوژی نیروها و تربیت آنها باید دور جدید همراه با تخصیص منابع سرمایه‌گذاری برای اصلاح و تربیت اصولی و حذف نگرش‌های غلط به سمت آینده‌ای روشن زمینه پیشرفت و پویایی در همه ابعاد فراهم گردد و این نیروی بالقوه زنان در همه عرصه ها هم دوش مردان با اشتیاق تام چرخ پویایی و پیشرفت کشور و جامعه را به حرکت درآورند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

۱- شادی طلب، ژاله، مجموعه سپهر اجتماعی توسعه و چالش‌های زنان ایران، چاپ اول ۱۳۸۱

۲- شفیعی سروستان، ابراهیم، تازه‌های اندیشه جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان، چاپ اول ۱۳۷۹

۳- ارهارت، اوته، زنان خوب به آسمان می‌روند، زنان بد به همه جا می‌رسند! مترجم پدرام پورنگ، چاپ اول ۱۳۸۱

۴- حنفی، حسن و دیگر نویسندگان، میراث فلسفی ما، ناصر، مهدی، ریشه‌های ستم مضاعف بر زنان در جوامع مسلمان. چاپ اول ۱۳۸۰

۵- مهرانگیز کار، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، چاپ دوم ۱۳۸۰

۶- گیدنز، آنتونی، ترجمه صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی چاپ هفتم ۱۳۸۱

۷- دکتر شیخی، محمد تقی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ اول ۱۳۸۰

۸- ابطحی، سیدحسن، طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل، انتشارات صبا ۱۳۷۲

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]